

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :  
The Evaluation of Spatial Justice in Redevelopment of Urban Spaces  
Case study: Atigh Local Plan in the city of Tabriz  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## ارزیابی عدالت فضایی در توسعه مجدد فضاهای شهری مورد پژوهی : طرح موضعی عتیق شهر تبریز

مرتضی میرغلامی<sup>۱\*</sup>، محمدعلی کی نژاد<sup>۲</sup>، بهرام علیزاده<sup>۳</sup>

۱. دکتری طراحی شهری، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
۲. دکتری محیط زیست، استاد دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی سهند، تبریز، ایران.
۳. پژوهشگر دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۲ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۰۸ تاریخ انتشار: ۹۷/۱۰/۰۱

### چکیده

بیان مسئله: تاکنون تعریف واحدی از مفهوم عدالت فضایی در شهرسازی ارایه نشده است. این موضوع نشان دهنده وابستگی این مفهوم به شرایط اجتماعی، سیاسی و جهان بینی هر جامعه است. پذیرش درست هر کدام از تعاریف غربی، می تواند شهرسازی ایرانی- اسلامی و طرح های شهری را از هدف اصلی خود، که همانا تجلی آرمان های مکتب اسلام در فضاهای شهری است، دور کند.

هدف: هدف اصلی این پژوهش از یک سو، کشف یک صورت بندی بومی از مفهوم عدالت فضایی براساس آرای متفکران مسلمان در ساحت شهرسازی است؛ و از سوی دیگر این پژوهش به دنبال فهم رویکرد طرح موضعی عتیق شهر تبریز در زمینه چگونگی دستیابی به عدالت فضایی است.

روش تحقیق: در این پژوهش در بخش تبیینی از روش استدلال منطقی و در بخش ارزیابی از روش تحلیلی-توصیفی بهره گرفته شده است. همچنین از شیوه های اسنادی و پرسش نامه ای برای جمع آوری داده های پژوهش استفاده شده است.

یافته های تحقیق: از بررسی آرای متفکران مسلمان چنین استدلال می شود که محورهای کانونی عدالت در مکتب اسلام «حق گرایی، ظلم ستیزی، انصاف گرایی و اکرام انسان» است. از ترجمان فضایی این محورها در ساحت اجتماع شهری می توان به ترتیب به معیارهای «حق مردم بر شهر، بسیج مردمی، تعادل فضایی و توانمندسازی» نایل شد. این معیارها در عین حال که به برون داده های عادلانه توجه می کنند، فرآیندهای دستیابی به آنها را نیز جستجو می کنند. طرح موضعی عتیق شهر تبریز، دستیابی به عدالت فضایی را تنها از طریق برون داده های عادلانه جستجو کرده و نسبت به اصلاح ساختارهای قدرت و فرآیندهای تصمیم سازی بی توجه بوده است؛ این مهم در عمل موجب نارضایتی شهروندان شده است.

**واژگان کلیدی:** متفکران مسلمان، عدالت فضایی، طرح موضعی عتیق، شهر تبریز.

\* نویسنده مسئول : m.mirgholami@tabriziau.ac.ir  
۰۴۱۳۵۵۳۹۲۰۸

### مقدمه

در ادبیات جهانی تعریف های متنوعی از عدالت وجود دارد؛ برای مثال سودگرایان عدالت را به معنای بیشترین خشنودی برای بیشترین کسان تعریف می کنند

این مقاله برگرفته از رساله دکتری بهرام علیزاده تحت عنوان «تبیین مفهوم عدالت فضایی در شهر اسلامی و ارزیابی آن در طرح های توسعه شهری (مورد پژوهی: شهر تبریز)» است که به راهنمایی دکتر مرتضی میرغلامی و دکتر محمدعلی کی نژاد در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز ارایه شده است.

برنامه‌های توسعه شهری، دو نگاه عمده قابل طرح است. نگاه اول شامل نظریاتی است که تمرکز آنها بیشتر بر فرآیند تهیه طرح‌های توسعه شهری است (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۵۶، به نقل از شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۳). به عنوان مثال سنت‌هایی که فریدمن در کتاب «برنامه‌ریزی شهری در حوزه عمومی» برای برنامه‌ریزی شهری مطرح می‌کند که (عبارت‌اند از سنت اصلاح اجتماعی، سنت تحلیل سیاست، سنت یادگیری اجتماعی و سنت بسیج اجتماعی) سنت‌هایی هستند که به رویه‌های ارتقای سطح عدالت در فرآیند برنامه‌ریزی شهری منجر می‌شوند (فریدمن، ۱۳۸۷: ۴۶). یا هیلیر در کتاب «سایه‌های قدرت» به صراحت به مفهوم عدالت رویه‌ای اشاره می‌کند (هیلیر، ۱۳۸۸: ۲۳). نگاه دوم، عدالت فضایی را در محتوای برنامه‌ها جستجو می‌کند. در این زمینه، مطالعات اندکی توسط برنامه‌ریزان شهری صورت گرفته است و معیارهای مشخصی در این خصوص تدوین نشده است (شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۳).

در طی سال‌های اخیر، مطالعات فراوانی در حوزه ارزیابی عدالت فضایی در کشورمان انجام گرفته است؛ از میان این مطالعات سه مطالعه زیر حایز اهمیت است. «بهرام‌پور»، در رساله دکتری خود به بررسی معیارهای عدالت فضایی در ارزیابی مدیریت شهری تهران پرداخته است (بهرام‌پور، ۱۳۹۳). وی در این مطالعه که می‌توان آن را از نوع ارزیابی محتوای عدالت فضایی دانست، معیارهای یک توزیع عادلانه را استخراج کرده است و به معیارهایی چون «تأمین منصفانه مسکن، تأمین دسترسی کافی به خدمات، تأمین امکانات (فرصت) برای همه و انصاف در تقسیم منابع» اشاره کرده است. داداش‌پور با همکاری علیزاده و رستمی در کتابی با عنوان «گفتمان عدالت فضایی در شهر» به بحث در خصوص فرآیندهای توزیع عادلانه پرداخته‌اند (داداش‌پور، علیزاده و رستمی، ۱۳۹۴). این مطالعه را می‌توان از نوع مطالعه در خصوص فرآیندهای توزیع عادلانه به شمار آورد. هم‌چنین در سال ۱۳۹۳، رساله‌ای در خصوص عدالت فضایی و چگونگی ارزیابی آن در طرح‌های توسعه شهری توسط شکوهی بیدهندی انجام شده است که در آن به بررسی فرآیندهای توزیع عادلانه پرداخته شده و یک صورت‌بندی از عدالت فضایی براساس خوانش آرای متفکران غرب و شرق ارائه شده است (شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۳). چیزی که این مطالعه را از سایر مطالعات متمایز می‌کند، ارائه یک مدل کاربردی از عدالت فضایی و ارزیابی آن در طرح‌های شهری است.

#### روش تحقیق

در این پژوهش برای تبیین یک صورت‌بندی مفهومی از عدالت فضایی براساس آرای متفکران مسلمان از رویکرد

(Mill, 1861 Bethem, 1983)؛ لیبرال‌های محافظه‌کار، عدالت را به معنای احترام به آزادی افراد می‌دانند (Hayek, 1960)؛ فریدمن، ۱۳۸۷؛ لیبرال‌های برابرخواه (لیبرال-دموکرات‌ها) عدالت را به معنای انتخاب‌های مردم در یک موقعیت برابر، تعریف می‌کنند (Kant, 1793; Rawls, 1971; سن، ۱۳۹۰) و فضیلت‌گرایان چون مایکل سندل، عدالت را به معنای پرورش فضیلت و تعقل درباره خیر جمعی می‌دانند (سندل، ۱۳۹۳). در فضای جغرافیایی نیز مفهوم‌های متنوعی از عدالت ارائه شده است. برای مثال عدالت در نزد متفکران شهری چپ‌گرا چون هانری لوفور (Lefebvre, 2000)، دیوید هاروی (Harvey, 1973) ادوارد سوجا (Soja, 2013)، پیتر مارکوس (Marcuse, 2009) و ... بیشتر به سمت «حق‌گرایی» متمایل است. این در حالی است که در نزد متفکران شهری راست‌گرا چون سوزان فاینشتاین (Fainstein, 2010) مفهوم عدالت به مفهوم «دموکراسی و تنوع» نزدیک شده است. با این حال، مقوله عدالت در نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری آن‌چنان مهم تلقی شده است که گاهی مشروعیت برنامه‌ریزی را معطوف به همین موضوع دانسته‌اند. چنان‌که فاینشتاین برنامه‌ریزی را «خلق آگاهانه شهر عادلانه» دانسته است (Fainstein, 2005) به نقل از شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۳: ۷) و کوین لینچ، از عدالت به عنوان یک فرامعیار در برنامه‌ریزی و طراحی شهری یاد کرده است (لینچ، ۱۳۸۱).

چنانچه دیده می‌شود، یک صورت‌بندی جهان‌شمول از مفهوم عدالت وجود ندارد. آرایه چنین صورت‌بندی‌ای از توان این پژوهش خارج است، ولی حرکت در مسیر بومی‌سازی این مفهوم در شهر ایرانی-اسلامی و ارائه یک صورت‌بندی جدید از عدالت فضایی براساس آرای متفکران مسلمان به را یکی از اهداف اصلی خود پژوهش به‌شمار آید. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش بر این است که محورهای کانونی عدالت فضایی منطبق بر ارزش‌های جامعه مورد مطالعه (ارزش‌های ایرانی-اسلامی) تبیین شود و این محورها، در ساحت اجتماع شهری ترجمه و در یک طرح توسعه مجدد شهری (طرح موضعی عتیق شهر تبریز) ارزیابی شود. لذا این پژوهش، دو هدف تبیینی و ارزیابی را به طور هم‌زمان دنبال می‌کند. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به دو پرسش زیر است:

پرسش اول: با خوانش آرای متفکران مسلمان در باب عدالت، به چه صورت‌بندی‌ای از عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری می‌توان دست یافت؟

پرسش دوم: دست‌یابی به عدالت فضایی در طرح موضعی عتیق شهر تبریز چگونه و از چه مسیری جستجو شده است؟

#### پیشینه تحقیق

در خصوص مطالعات مربوط به موضوع ارزیابی عدالت در

از عدالت در طول تاریخ مورد توجه این متفکران بوده است. نخستین تعریف که بیشتر مدنظر کسانی چون مرتضی مطهری بوده، عبارت است از: «عدالت به مثابه اعطای حق به ذی‌الحق» (۱۳۶۹ و ۱۳۸۱). تعریف دوم که در اندیشه‌های (Farabi, 1961; 1964) ابن‌رشد (Averoes, 1956) و بیشتر پیش از همه در اندیشه‌های قطب (۱۳۷۹) دیده می‌شود، چنین است: «عدالت به مثابه ظلم‌ستیزی اجتماعی». سومین تعریف که بیشتر مورد نظر سید محمدباقر صدر (۱۳۶۰) است، عبارت است از: «عدالت به مثابه حفظ کرامت انسانی». تعریف چهارم که در آرای علامه طباطبایی (۱۳۹۳) و ابن‌سینا (Ibn Sina, 1960) دیده می‌شود این چنین است، «عدالت به مثابه اعتدال». با توجه به دسته‌بندی صورت گرفته، می‌توان حداقل چهار محور کانونی «حق‌گرایی»، «ظلم‌ستیزی»، «انصاف‌گرایی» و «اکرام انسان» را برای ارزیابی عدالت استخراج کرد (تصویر ۳). در ادامه تلاش می‌شود که برای هر کدام از چهار محور کانونی، تعاریف حداقلی و اقلی‌ارایه شود.

حق‌گرایی: براساس آرای مرتضی مطهری (۱۳۸۱)<sup>۲</sup> می‌توان حق را چنین تعریف کرد: حق یعنی برابری همگان در حقوق فطری و رعایت استحقاق در حقوق موضوعه؛ استحقاقی که ناشی از تلاش و شرکت در منفعت عمومی است (این تعریف حداقلی برگرفته از آرای مرتضی مطهری است).

ظلم‌ستیزی: براساس آرای قطب (۱۳۷۹)<sup>۳</sup> می‌توان چنین استنباط کرد که ظلم‌ستیزی به معنی مشارکت فعالانه افراد جامعه در تعیین سرنوشت خود و جامعه، نظارت همگانی بر رفتار دولت و افراد جامعه و همچنین مقاومت همگانی در

استدلال منطقی بهره گرفته شده است. براساس رویکرد استدلال منطقی در این پژوهش ابتدا آرای هفت متفکر مسلمان در باب عدالت مورد کندوکاو قرار گرفته و محورهای کلیدی بحث آنها استخراج شده و این محورها در ساحت اجتماعی شهری ترجمه شده است. جهت ارزیابی طرح موضعی عتیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود. شیوه جمع‌آوری داده‌ها، اسنادی و پرسش‌نامه‌ای است. تحلیل داده نیز از طریق آزمون‌های آماری (توصیفی و استنباطی) صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

### معرفی اجمالی مورد پژوهشی تحقیق

طرح موضعی عتیق یکی از چندین طرح توسعه مجدد زمین در شهر تبریز است که بعد از انقلاب اسلامی در بافت قدیمی و تاریخی شهر، انجام شده است. محدوده این طرح از غرب به خیابان شهید بهشتی (منصور سابق)، از شرق به مسجد کبود، از جنوب به خیابان امام خمینی و از شمال به خیابان مدرس (بهادری سابق) محدود شده است. طرح عتیق با تملک بالغ بر ۳۰۰ واحد مسکونی، تجاری و خدماتی با اعتباری بالغ بر ۱۵۵ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ انجام شده است (گزارش عملکرد شرکت عمران و توسعه آذربایجان، ۱۳۹۳: ۲۱). این پروژه محدوده‌ای به مساحت ۲۰ هکتار را پوشش می‌دهد (تصاویر ۱ و ۲).

### محورهای کانونی عدالت در آرای متفکران مسلمان

بررسی تئوری‌های رایج در بین آرای متفکران پرورش‌یافته در جهان‌بینی اسلام نشان می‌دهد که حداقل چهار تعریف



تصویر ۱. طرح سه بعدی پیشنهادی مشاور جهت باز توسعه محله پیرامون مسجد کبود شهر تبریز. مأخذ: مهندسان مشاور باوند، ۱۳۹۰.



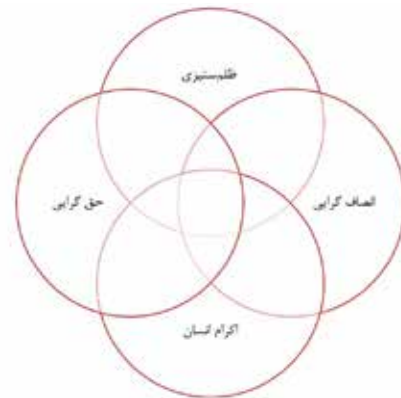
تصویر ۲. علمیات اجرایی طرح. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

شهری نظر دارد؛ در واقع نظریه فرآیندی، اندیشه کردن در باب وسایل و چگونگی رسیدن به هدف مورد نظر برنامه ریزی است (فالودی، ۱۹۷۳، به نقل از اجلائی، رفیعیان و عسگری، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۶). با پذیرش این طبقه بندی، می توان به دسته بندی شاخص های دوازده گانه عدالت فضایی پرداخت. از تأمل در مفاهیم شاخص های عدالت فضایی چنین برداشت می شود که شش شاخص مساوات، استحقاق، منفعت عمومی، انعطاف فضایی، تنوع فضایی و توازن فضایی بیشتر از آنکه به جنبه فرآیندی عدالت فضایی توجه داشته باشند، به توزیع عادلانه منابع در شهر توجه دارند و این شاخص ها بیشتر به محصول نهایی توزیع نظر دارند تا فرآیند توزیع. در این پژوهش از این شاخص ها به عنوان شاخص های توزیعی نام برده می شود. این درحالی است که شاخص های مشارکت شهروندان، نظارت مردمی، مقاومت مردمی، توسعه قابلیت ها، اخلاق مندی رقابت و نهادسازی مردمی، بیشتر مربوط به فرآیندهای توزیع و به دنبال اصلاح ساختارها و فرآیندهای تصمیم سازی هستند. در این پژوهش از این شاخص ها به عنوان شاخص های ساختاری نام برده می شود.

با توجه به دسته بندی فوق الذکر، چارچوب نظری پژوهش ترسیم می شود (تصویر ۴). این چارچوب این امکان را به پژوهشگر می دهد تا رویکرد هر طرح توسعه شهری را با توجه به میزان اهمیتی که طرح به شاخص های عدالت فضایی داده است، تشخیص دهد. به عبارتی اگر یک طرح شهری، بیشتر بر شاخص های چون انعطاف فضایی و استحقاق تأکید کرده باشد، رویکرد آن به عدالت فضایی بیشتر توزیعی بوده تا ساختاری و برعکس.

#### یافته های پژوهش

در این بخش به ارزیابی طرح موضعی عتیق شهر تبریز پرداخته می شود تا از این طریق مشخص شود که چه اقداماتی برای دستیابی به عدالت فضایی (مورد نظر این پژوهش) انجام شده و عدالت فضایی تا چه میزان تحقق یافته است. برای رسیدن به این هدف، برای هر کدام از معیارهای عدالت فضایی، گویه هایی تعریف و در بین ذی مدخلان، تکمیل شد.



تصویر ۳. محورهای کانونی عدالت در آرای متفکران مسلمان. مأخذ: نگارندگان.

برابر ظلم و ستم سازمان یافته است.

انصاف گرایی: از بررسی آرای علامه طباطبایی (۱۳۹۳)<sup>۴</sup> و ابن سینا (Ibn Sina, 1960)<sup>۵</sup> انصاف را می توان به معنای گذاشتن هر چیزی در جایگاه شایسته و بایسته خود و پرهیز از افراط و تفریط دانست. اکرام انسان: در آرای محمدباقر صدر (۱۳۶۰)<sup>۶</sup> کرامت انسانی به معنای نفی استثمار و حذف موانع و ایجاد فرصت های رشد و تعالی به صورت برابر برای همگان است.

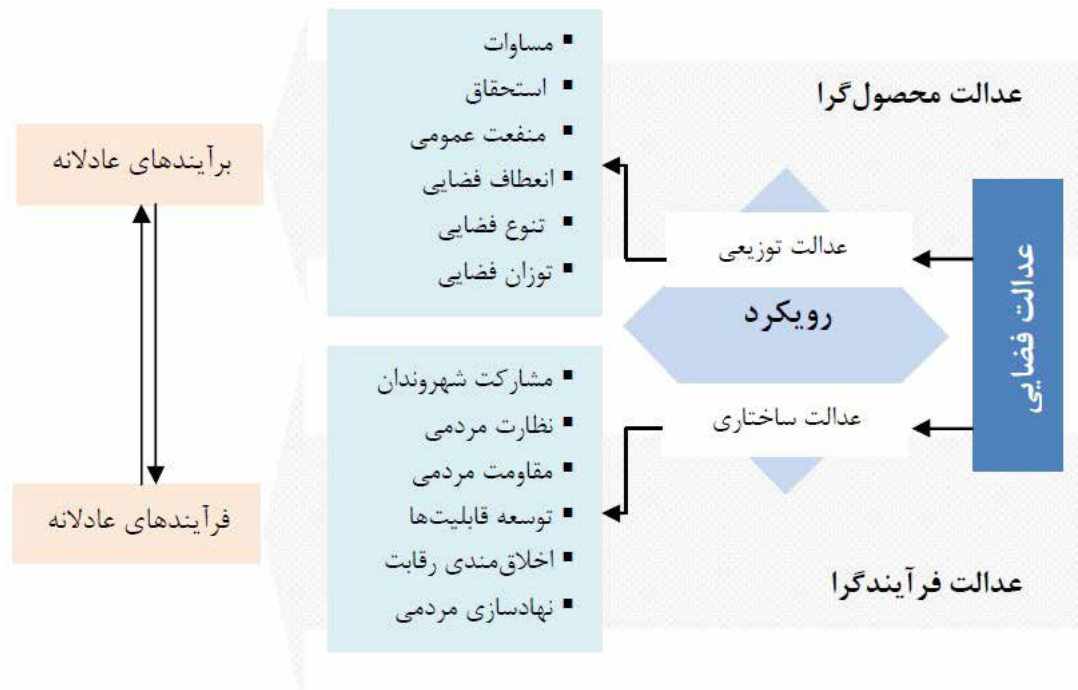
#### تبیین معیارها و شاخص های ارزیابی عدالت فضایی در شهرسازی اسلامی

در این بخش از پژوهش تلاش می شود، هر کدام از چهار محور کانونی عدالت اسلامی، در ساحت شهرسازی ترجمه شود. نتیجه این تلاش در جدول ۱ آمده است.

#### چارچوب نظری تحقیق

اگر میان هدف و وسیله در برنامه ریزی شهری به پیروی از فالودی (۱۹۷۳) تمایز قابل شویم می توانیم؛ دو گونه نظریه برنامه ریزی شهری را تشخیص دهیم: نخست نظریه محتوایی (محصول گرایی) که به جوهره و موضوع برنامه ریزی می پردازد و دوم، نظریه فرآیندی که به شیوه های برنامه ریزی





تصویر ۴. چارچوب نظری پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

است. در ادامه نتیجه ارزیابی عرضه می‌شود (تصاویر ۵ و ۶).

#### الف) ارزیابی معیار حق مردم بر شهر

میزان متوسط این معیار حدود ۲/۹۳ گزارش شد که از حد میانه (۳) پایین‌تر است. بدین معنی که به این معیار در طرح عتیق شهر تبریز کم‌توجهی شده است. از بین سه شاخص این معیار، تنها میزان شاخص مساوات بیشتر از حد وسط (۳/۶۴) گزارش شد. میزان دو شاخص دیگر این معیار (استحقاق و منفعت عمومی) کمتر از حد وسط (۳) به ترتیب ۲/۷۶ و ۲/۴ گزارش شد. به عبارتی از دید ذی‌مدخلان طرح، طرح عتیق شهر تبریز تا حدودی توانسته است به نیازهای اولیه ساکنین پاسخ دهد ولی نتوانسته مزیت‌های مکانی (مزیت‌های تاریخی و هویتی مکان) را در حد قابل قبول برآورده کند. همچنین از دید ذی‌مدخلان، این طرح در زمینه منفعت عمومی به شکست کامل رسیده است. ادعا بر این است که این طرح نتوانسته است حقوق از دست‌رفته ساکنین قدیمی (به خصوص کسبه‌های قدیمی) را جبران کند. در این مکان، کسبه‌های قدیمی فعالیت داشتند که با اجرای این طرح، آن‌ها به بیرون رانده شده‌اند و هیچ تمهیداتی در طرح مذکور تا حدودی در این زمینه اندیشیده نشده است.

#### ب) ارزیابی معیار بسیج مردمی

میزان متوسط این معیار در طرح عتیق شهر تبریز برابر ۲/۳۶ گزارش شد که از حد وسط (۳) پایین‌تر است. این بدان معنی است که در این طرح به موضوع بسیج مردمی بی‌توجهی شده

گویه‌های پرسش‌نامه به صورت طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (از خیلی‌زیاد تا خیلی‌کم) طراحی و با استفاده از تکنیک گلوله برفی در اسفندماه ۱۳۹۴ تکمیل شد. حجم نمونه آماری براساس روش کوکران ۱۵۰ نفر انتخاب شد. توزیع پرسش‌نامه به شکل زیر انجام گرفت: ۱۰ نفر از نخبگان (دانشگاهیان شهر تبریز)، ۱۰ نفر از جامعه حرفه‌ای ساکن در شهر تبریز (ترجیحا معمار و شهرساز)، ۱۰ نفر سیاست‌گذاران (اعضای شورای شهر تبریز و مدیران ارشد شرکت‌های وابسته به شهرداری تبریز)، ۵ نفر از مسئولان اجرایی (شرکت عمران و بهسازی و شرکت توسعه و عمران آذربایجان و شهرداری تبریز)، ۷ نفر از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فعال در شهر تبریز، ۸ نفر از مشاورین املاک نزدیک به محدوده پروژه، ۱۰۰ نفر از ساکنین و کسبه‌های قدیمی.

روش امتیازدهی نیز بدین صورت انجام گرفت: برای هر یک از گویه‌های پرسش‌نامه، حداقل ۱ (خیلی‌کم) و حداکثر ۵ (خیلی‌زیاد) که عدد ۳ (میانه) به عنوان حد وسطی در نظر گرفته شد. به عبارت دیگر مقدار هر گویه هر چه از ۳ کوچک‌تر و به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده عدم توجه به آن گویه و هر چه مقدار آن از عدد ۳ بزرگ‌تر و به ۵ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده توجه بیشتر به آن گویه است. برای محاسبه روایی و پایایی پرسشنامه، از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای محاسبه شده برابر ۰/۹۸۹ گزارش شد که نشانگر پایایی خوب و هماهنگی درونی مناسب برای پرسشنامه

جدول ۱. محورهای کانونی عدالت اسلامی و ترجمان آن در ساحت شهرسازی.  
 مأخذ: نگارندگان با اقتباس از آرای استاد مطهری، ۱۳۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۳؛ ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۴، ۱۹۵۶؛ Averroes؛ قطب، ۱۳۷۹؛ صدر، ۱۳۶۰.

متفکر	عدالت در ساحت جهان بینی اسلامی	محور	شاخص	عدالت در ساحت شهرسازی اسلامی	محور	شاخص
استاد مطهری	برابری مطلق	برابری	برابری همگان در نیازهای اولیه	در حالت کلان اشاره به حذف هرگونه تبعیض در هنگام توزیع دارد؛ در این پژوهش جهت حرکت به سوی تعریف حداقلی و اقلناهی که در ساحت برنامه‌ریزی شهری کاربرد داشته باشد، مفهوم مساوات بدین گونه بازتعریف می‌شود: همه ساکنین شهر بدون توجه به نژاد، دین، جنسیت، وضعیت مهاجرت، گرایش‌های سیاسی و درآمد بایستی از حداقل‌های زیستی به صورت برابر برخوردار باشند.	مساوات	در حالت کلی اشاره به توزیع خدمات براساس قابلیت‌ها چه مکانی و چه انسانی دارد. در این پژوهش به منظور دست‌یابی به مفهوم حداقلی و جغرافیایی از این مفهوم، آن بدین گونه بازتعریف می‌شود: «زندگی جمعی و تجمع مکانی جمعیت، حداقل‌هایی برای داشتن ایجاب می‌کند که این حداقل‌ها باید از تخصیص منابع اضافی تأمین شوند.»
	همگان در حقوق بشری و رعایت استحقاق‌ها در حقوق شهروندی؛ استحقاق‌هایی که ناشی از تلاش و شرکت در منفعت عمومی است.	برابری	نیازهای اولیه زیست شهری بدون هیچ‌گونه تبعیض و توزیع خدمات عمومی براساس استحقاق و شرکت در منفعت عمومی	در حالت کلی به معنای آن است که افرادی که نتایج کار آنها منفعت بیشتری برای جامعه ایجاد می‌کند، می‌توانند سهم‌خواهی بیشتری از منابع شهری طلب کنند؛ در این پژوهش در جهت حرکت به سوی تعریف حداقلی و اقلناهی که در ساحت برنامه‌ریزی شهری کاربرد داشته باشد، منفعت عمومی بدین گونه بازتعریف می‌شود: تخصیص منابع اضافی برای جبران مضرات و مشکلات اجتماعی و طبیعی خاص هر منطقه.	استحقاق	منفعت عمومی
علامه طباطبائی و ابن سینا	گذاشتن هر چیزی در جایگاه شایسته و بایسته خود و پرهیز از افراط و تفریط	پاسخ‌گویی به نیازهای در حال تغییر	تلاش در جهت حذف برهم‌نشینی لایه‌های فقر مکانی بر فقر انسانی و ایجاد تناسب بین عرضه و تقاضای فضا در	در ساحت کلان به معنای حضور گونه‌گونی عملکردها، فعالیت‌ها، فرم‌ها و افراد، گروه‌ها و ... در فضا و به رسمیت شناختن آنهاست. در این پژوهش منظور از تنوع فضایی، تلاش برای حذف برهم‌نشینی لایه‌های فقر مکانی بر فقر انسانی است.	انعطاف فضایی	تنوع فضایی
	انصاف جغرافیایی	پاسخ‌گویی به نیازهای نسل‌های آینده	تلاش در جهت حذف برهم‌نشینی لایه‌های فقر مکانی بر فقر انسانی و ایجاد تناسب بین عرضه و تقاضای فضا در	در ساحت کلان به معنای برقراری تناسب بین نیروهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی در توسعه فضاست؛ در این پژوهش در جهت حرکت به سمت مفهوم حداقلی و جغرافیایی از توازن فضایی، این شاخص بدین گونه بازتعریف می‌شود: ایجاد بهینگی بین گونه‌گونی مطالبات فضایی و جلوگیری از افراط و تفریط در چرخه باز(تولید) فضا.	توازن فضایی	توازن فضایی
ابن رشد، ابن‌عزق فارابی و سید قطب	مشارکت فعالانه افراد جامعه در تعیین سرنوشت خود و جامعه، نظارت همگانی بر رفتار دولت و افراد جامعه و همچنین مقاومت همگانی در برابر ظلم و ستم سیستمی	شرکت در امر توسعه	رسیدگی و کنترل مستمر و فعالانه ساکنین شهر بر چرخه تولید و بازتولید فضاها در شهر برای جلوگیری از نابرابری‌های سیستمی	در حالت کلی به معنای تعیین سرنوشت خود و شهر توسط خود شهروندان است؛ در این پژوهش به منظور حرکت به مفهوم حداقلی و جغرافیایی از این مفهوم، آن بدین گونه بازتعریف می‌شود: مشارکت مستمر و فعال شهروندان در چرخه (باز) تولید فضا	مشارکت شهروندان	مشارکت شهروندان
	ظلم سیستمی	نظارت بر توسعه	شهر برای جلوگیری از نابرابری‌های سیستمی	در ساحت کلان به معنای رسیدگی شهروندان به فرآیندها و ساختارهای مدیریت شهری است؛ در این پژوهش جهت حرکت به سوی تعریف حداقلی و اقلناهی که در ساحت برنامه‌ریزی شهری کاربرد داشته باشد، نظارت مردمی بدین گونه بازتعریف می‌شود: رسیدگی مسئولانه شهروندان بر پویایی‌ها، اصول و روش‌های (باز)تولید فضا.	نظارت مردمی	نظارت مردمی

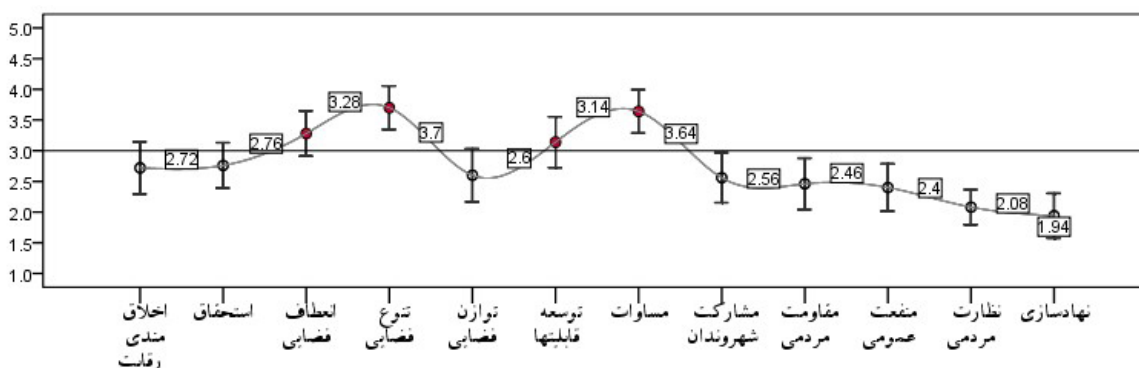
مقاومت در برابر نابرابری‌ها	مقاومت مردمی	در سطح کلان به معنای ایستادگی در مقابل ظلم و ستم است؛ در این پژوهش به منظور دست‌یابی به مفهوم حداقلی و محیطی از این مفهوم، بدین گونه بازتعریف می‌شود: ایستادگی مستمر شهروندان در برابر نابرابری‌های سیستمی؛ نابرابری‌هایی که از بالا و توسط قدرت‌های حاکم (باز آزاد و یا صاحبان قدرت) بر (باز) تولید فضا تحمیل می‌شود.
حذف موانع و رشد فرصت‌ها	ایجاد و توسعه قابلیت‌های محیطی، هدایت و کنترل رقابت‌ها در شهر	در بعد جامعه‌شناختی وابسته به آموزش و پرورش فضایل اخلاقی و مدنی در بین اعضای جامعه است. در این پژوهش جهت حرکت به سوی تعریف حداقلی و اقتناعی که در ساحت برنامه‌ریزی شهری کاربرد داشته باشد، توسعه قابلیت‌ها بدین گونه بازتعریف می‌شود: افزایش مزیت‌ها و کاهش مضرات مکانی.
توسعه فضایل اخلاقی	توسعه رقابت اخلاق‌مندی	در حالت کلان به معنای تعریف حدود اخلاقی برای بازار و بخش خصوصی است؛ در این پژوهش برای حرکت به سوی تعریف حداقلی و اقتناعی که در ساحت برنامه‌ریزی شهری کاربرد داشته باشد، اخلاق‌مندی رقابت بدین گونه بازتعریف می‌شود: انحصارزدایی و احتکارزدایی فضایی توسط خرد جمعی.
شبکه‌سازی	نهادسازی	در سطح کلان خود به معنای بسیج اجتماعی مبتنی بر مراقبت و هدایت توسعه شهری به سمت ارزش‌های مورد پذیرش جامعه است. در این پژوهش منظور نگارندگان از نهادسازی بدین قرار است: استفاده از سرمایه‌های اجتماعی و نهادهای مردمی جهت هدایت و کنترل (باز)تولید فضاهای شهری.

سید محمدباقر صدر  
اکرام انسانی

است. این معیار در هیچ‌کدام از شاخص‌های خود به حد وسط (۳) نزدیک نشده است. از بین شاخص‌های این معیار، تنها شاخص مشارکت شهروندان توانسته به حد میانه تا حدودی نزدیک شود (۲/۵۶). بالا بودن این شاخص نیز به دلیل شراکت اقتصادی متولیان اجرای طرح (شهرداری تبریز) با بخش خصوصی است. همان‌گونه در بررسی طرح گفته شد بخش زیادی از تأمین مالی طرح، از طریق فروش اوراق مشارکت انجام شده است (هرچند که انتقادهای زیادی بر فرآیند اجرای فروش اوراق مشارکت در طی برداشت میدانی از سوی ذی‌مدخلان عنوان می‌شد). لذا طرح مذکور تا حدودی در مسیر مشارکت شهروندان حرکت کرده است. همچنین در طرح مذکور هیچ‌گونه علامت و نشانه‌ای از نظارت مردمی دیده نمی‌شود؛ هر چند به گفته برخی از پرسش‌شوندگان،



تصویر ۵. متوسط نمرات شاخص‌های عدالت فضایی در نمودار تارکنبودی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. متوسط نمرات شاخص‌های عدالت فضایی در نمودار جعبه‌ای (از کم به زیاد). مأخذ: نگارندگان.

جدول ۲. نتایج آزمون فریدمن. مأخذ: نگارندگان.

Ranks	
	Mean Rank
حق مردم بر شهر	3.00
بسیج مردمی	1.32
تعادل فضایی	3.72
توانمندسازی	1.96

Test Statistics	
N	150
Chi-Square	121.269
df	3
Asymp.Sig	.000

a. Friedman Test

می‌شود. برای تشخیص وجود رتبه‌بندی در بین معیارهای عدالت فضایی و درجه‌بندی میزان اهمیت آنها نسبت به هم از آزمون فریدمن استفاده شد. آزمون فریدمن یکی از آزمون‌های معتبر آماری است که در رتبه‌بندی شاخص‌ها کاربرد دارد. اگر سطح معنی‌داری  $Sig < .05$  باشد با سطح اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت که بین شاخص‌ها رتبه‌بندی وجود دارد. نتایج این آزمون در جدول ۲ آمده است. از آنجایی که سطح معناداری آزمون فریدمن برابر صفر گزارش شد ( $Sig=0.00$ )، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در بین معیارهای چهارگانه عدالت فضایی رتبه‌بندی وجود دارد. این آزمون نشان داد که معیار تعادل فضایی در رتبه اول، معیار حق مردم بر شهر در رتبه دوم، معیار توانمندسازی در رتبه سوم و معیار بسیج مردمی در رتبه آخر قرار دارد. این نتایج نشان می‌دهد که در طرح فوق (البته از نظر ذی‌مدخلان طرح) موضوع برقراری تعادل فضایی در اولویت اول و معیار بسیج مردمی در اولویت آخر قرار داشته است. به معیارهای حق مردم بر شهر و توانمندسازی نیز در طرح مذکور توجه اندکی شده است.

### نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش اول پژوهش که به دنبال تبیین معیارهای عدالت فضایی براساس آرای متفکران مسلمان است، پاسخ این پژوهش چنین است: عدالت در بین متفکران مسلمان حداقل در چهار حوزه «حق، انصاف، ظلم‌ستیزی و کرامت انسانی» تعریف شده است؛ لذا برای عدالت فضایی در ساحت شهرسازی چهار معیار «حق مردم بر شهر، تعادل فضایی، بسیج مردمی و توانمندسازی» قابل احصاء است. با عنایت به معیارهای فوق‌الذکر، عدالت فضایی در پژوهش حاضر

مقاومت‌هایی (در قالب اعتراض‌های مردمی) در فرآیند اجرای طرح، توسط کسبه و ساکنین قدیمی محله به صورت پراکنده و غیرسازمان‌یافته صورت گرفته است.

### ج) ارزیابی معیار تعادل فضایی

میزان متوسط این معیار برابر ۳/۱۹ گزارش شد که بالاتر از حد وسط (۳) است. این بدان معنی است که در طرح تا حدودی، به موضوع تعادل فضایی پرداخته شده است؛ به عبارتی می‌توان چنین استنباط کرد که این طرح در زمینه تعادل فضایی تا حدودی موفق‌تر عمل کرده است. هم‌چنین از بین سه شاخص این معیار، تنها میزان شاخص توزان فضایی کمتر از حد وسط (۳) گزارش شد (۲/۶). میزان دو شاخص دیگر یعنی انعطاف فضایی و تنوع فضایی به ترتیب برابر ۳/۲۸ و ۳/۷ به دست آمد.

### د) ارزیابی معیار توانمندسازی

میزان متوسط این معیار برابر ۲/۶ گزارش شد که از حد وسط (۳) پایین است. از بین سه شاخص این معیار تنها شاخص توسعه قابلیت‌ها، نمره قابل قبولی گرفت (۳/۱۴)؛ هر چند که توسعه قابلیت‌ها بیشتر از آنکه از جنس سیاسی، حقوقی و اجتماعی باشد، جنبه مکانی داشته است. برخی از پرسش‌شوندگان بر این باور بودند که در اثر اجرای این طرح بسیاری از سرمایه‌های اجتماعی موجود از بین رفت؛ این پرسش‌شوندگان به صنوف رنگ‌رزی و هیئت‌های مذهبی اشاره داشتند.

با توجه به نمرات به‌دست‌آمده برای شاخص‌های عدالت فضایی، می‌توان متوسط نمرات معیارهای چهارگانه عدالت فضایی را نیز محاسبه کرد (میانگین عددی نمرات شاخص‌ها ملاک عمل بوده است). از میان معیارهای عدالت فضایی، تنها معیار تعادل فضایی در بالای خط میانه (۳) با کسب نمره ۳/۱۹ قرار داشت. معیار حق مردم بر شهر با کسب نمره ۲/۹۳ در رتبه دوم و بالاتر از محورهای توانمندسازی و بسیج مردمی بود. معیار بسیج مردمی با کسب نمره ۲/۳۶ در پایین‌ترین سطح قرار گرفت (تصویر ۷).

با توجه به اینکه نباید صرفاً براساس آمار توصیفی به قضاوت پرداخت، در ادامه برای قضاوت علمی از آمار استنباطی استفاده



تصویر ۷. میانگین معیارهای چهارگانه عدالت فضایی و انحراف آن از حد وسط. مأخذ: نگارندگان.



طرح عتیق گفته شد، شهرداری تبریز به اسم توسعه مجدد و احیای هویت تاریخی شهر تبریز، ابزار معیشت گروهی از کسبه واقع در طرح را تخریب کرد و آن‌ها را به عنوان سهامداران مشروع در فرآیند پروژه به رسمیت شناخت. علت این امر را می‌توان در فقدان بسیج مردمی دانست. حرکت به سمت دستیابی به عدالت فضایی در شهر نیازمند توسعه نهادهای مخالف یا نهادهای پادعامه است. کسبه قدیمی در پروژه عتیق نتوانستند مدیریت شهری را متقاعد کنند که آن‌ها را جدی بگیرند. دلیل این امر نداشتن نفوذ و نداشتن توانایی کسبه در مقابله با این منطق بود که مراکز خرید جدید، معرف نوین‌سازی است. این پژوهش با اسناد به این موضوع، این امکان را آشکار می‌کند که جنبش‌های اجتماعی شهری می‌توانند بر سیاست عمومی تأثیر گذار باشند.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. در رویکرد استدلال منطقی، واژه اثبات جای خود را به اقناع می‌دهد (میرجانی، ۱۳۸۹: ۴۴ و پورعزت، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰)؛ از این‌رو در پژوهش‌های مبتنی بر استدلال منطقی، نظریه یا نظام تشریحی‌ای شکل می‌گیرد که آزمون آن از طریق سنجش قابلیت اقناع آن صورت می‌گیرد (میرجانی، ۱۳۸۹: ۴۵).
۲. حقوق در نظر استاد مطهری دو دسته است: حقوق فطری و حقوق موضوعه. عدالت در حقوق فطری به معنای برابری است و در حقوق موضوعه به معنای رعایت استحقاق‌هاست؛ استحقاق‌هایی که ناشی از تلاش و شرکت در منفعت عمومی است (مطهری، ۱۳۸۱). ۳. انسان آزاده، نسبت به محیط پیرامون خود حساس بوده و در برابر ظلم و ستم ناروا به پا برمی‌خیزد؛ از این‌رو ایشان جامعه اسلامی را جامعه پویا و خودتنظیمی می‌داند که پایه‌های آن بر تعاون (مشارکت همگانی)، نظارت همگانی و مقاومت همگانی در برابر ظلم و ستم استوار شده است (قطب، ۱۳۷۹). ۴. در نظر علامه طباطبایی، انصاف نیز به معنای میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری دانسته شده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲). ۵. ابن‌سینا انصاف را حرکت در حد وسط دانسته که بین نیازهای آدمی (فعلی، در حال تغییر و نیازهای آتی) اعتدال ایجاد می‌کند (Ibn Sina, 1960) به نقل از خدوری، ۱۳۹۴). ۶. در نظر محمدباقر صدر، برای تحقق عدالت در جامعه، تحریک انگیزه‌های اخلاقی و ارزشی حایز اهمیت است (صدر، ۱۳۶۰).

#### فهرست منابع

- اجلالی، پرویز، رفیعیان، مجتبی و عسگری، علی. (۱۳۹۱). نظریه برنامه‌ریزی: دیدگاه‌های سنتی و جدید. چاپ اول. تهران: انتشارات آگه.
- بهرام‌پور، مهدی. (۱۳۹۳). شهر عدالت محور (عدالت فضایی در مدیریت شهری در تهران). رساله دکتری شهرسازی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۸۵). تحلیل مبانی منطقی طراحی سیستم‌های خط مشی‌گذاری معطوف به عدالت: مقایسه آموزه‌های نهج‌البلاغه و برخی از مکاتب فلسفی سیاسی. مدرس علوم انسانی، ۱۰ (۴): ۴۲-۱۷.
- خدوری، مجید. (۱۳۹۴). برداشت مسلمانان از عدالت. ت: مصطفی یونسی و صمد ظهیری. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه مفید.
- داداش پور، هاشم، علیزاده، بهرام و رستمی، فرامرز. (۱۳۹۴). گفت‌وگو عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری. قم: انتشارات آذرخش.
- سن، آمارتیا. (۱۳۹۰). اندیشه عدالت. ت: وحید محمودی و هرمز همایون پور. چاپ اول. تهران: انتشارات کندوکاو.
- سندل، مایکل. (۱۳۹۳). عدالت: کار درست کدام است؟ ت: حسن

بدین‌گونه در ساحت شهرسازی اسلامی تعریف می‌شود: «نهاد مدیریت شهری باید فرآیندهایی را در پیش گیرد که ساکنین شهر به خصوص آنانی که در فضا گیر افتاده‌اند و یا به وسیله تولید اجتماعی فضا ناتوان شده‌اند، نسبت به حقوق شهری‌شان آگاه‌تر و در مطالبه آنها توانمندتر شوند تا از این طریق بتوانند بر چرخه‌ها و فرآیندهای تولید و بازتولید فضاهای شهری نظارت داشته و آن را کنترل کنند. حذف برهم‌نشینی لایه‌های فقر مکانی بر فقر انسانی و ایجاد تناسب بین عرضه و تقاضای فضا در گذر زمان و رواج اخلاق‌مندی رقابت از لازمه‌های شهرسازی عدالت‌محور است.»

در پاسخ به سوال دوم پژوهش که به دنبال کشف رویکرد طرح موضوعی عتیق شهر تبریز در دستیابی به عدالت فضایی است، می‌توان براساس تحلیل‌های توصیفی و استنباطی صورت‌گرفته، چنین نتیجه‌گیری کرد: این طرح در کل نتوانسته در زمینه کاهش نابرابری‌های موفق عمل کنند؛ در این طرح جز معیار تعادل فضایی به سایر معیارهای عدالت فضایی کم‌توجهی شده است. و در نهایت، این طرح نه تنها نتوانسته نابرابری‌ها را کاهش دهد بلکه در برخی موارد به نارضایتی‌های مردمی هم منجر شده است.

در مورد اینکه طرح موضوعی عتیق شهر تبریز در دستیابی به عدالت فضایی چه رویکردی را اتخاذ کرده است، نیز می‌توان چنین استنباط کرد: این طرح، دستیابی به عدالت فضایی را بیشتر از طریق توزیع عادلانه خدمات (به خصوص خدمات انتفاعی) پیگیری کرده است. این طرح در خصوص اصلاح ساختارها و فرآیندهای تصمیم‌سازی و نرم‌کردن قدرت، سکوت کرده است. از این‌رو است که در این طرح، شاخص‌های ساختاری چون مشارکت شهروندان، نظارت مردمی، مقاومت مردمی، توسعه قابلیت‌ها، اخلاق‌مندی رقابت و توسعه نهادهای مردمی نسبت به شاخص‌های برون‌دادی یا توزیعی چون مساوات، استحقاق، منفعت عمومی، تنوع فضایی، انعطاف فضایی و توازن فضایی، امتیاز پایین‌تری را کسب کرده‌اند.

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده پیشنهادات زیر ارایه می‌شود: نخست اینکه شهرسازی در ایران نیازمند تغییر رویه در باب موضوع دستیابی به عدالت فضایی در طرح‌های شهری است. متأسفانه در طرح‌های شهری دستیابی به عدالت فضایی بیشتر از نهادهای دولتی و حکومتی طلب شده و بیشتر برون‌داد محور است. در طرح‌های شهری از توان شهروندان در دستیابی به عدالت فضایی غفلت شده است. توجه به برون‌دادهای عادلانه لازمه کاهش نابرابری‌ها در شهر است ولی به‌تنهایی کافی نیست؛ توجه به اصلاح ساختارهای قدرت و فرآیندهای تصمیم‌گیری در کنار برون‌دادهای عادلانه، در طرح‌های شهری ضروری است. ثانیاً، چنانچه در

- Averroes, A. (1956). *Averroes Commentary on Plato's Republic*. Edited by E.I.J. Combridge: Rosenthal.
- Bentham, J. (1986). *Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. Oxford: Oxford University.
- Fainstein, S. (2005). *Planning and the Just City*. In Conference on Searching for the Just City, Friends of the Earth. London.
- Fainstein, S. (2010). *The just city*. Ithaca: Cornell University Press.
- Farabi, A. N. (1961). [PDF] *Fusul al-madani; aphorisms of the statesman*. Edited and translated by D. M. Dunlop. Cambridge: Cambridge University Press.
- Farabi, A. N. (1964). *Kitab al-siyasa al-Madaniya: political science*. Edited by F. M. Najjar. Beirut: D. M. Dunlop.
- Harvey, D. (1973). *Social justice and the city*. Tablisi: University of Georgia Press.
- Harvey, D. (1990). *Social Justice and the City*. London: Edward Arnold.
- Harvey, D. (1996). Planning the Ideology of Planning. In *S. Campbell & S. Fainstein (eds)*. Reading in Planning Theory. Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Harvey, D. (2008). The right to the city. *New Left Review II*, (53): 23-40.
- Hayek, F. (1960). *Constitution of liberty*. Chicago: Chicago University.
- Ibn Sina, A. (1960). *Kitab Al-Shafa: Al-Ilahiyat*. Vol II. Edited by M. Y. Moussa, S. Dunya & S. Zaid. Cairo: Sulayman Dunya.
- Kant, I. (1793). On the Common Saying: This may Be True in Theory, But It Does Not Apply in Practice. Translated by H.B. Nisbet. UK: Cambridge University.
- Lefebvre, H. (2000). *The right to the city*, In *J. Ockman (ed.) Architecture Culture 1943-1968: A Documentary Anthology*. New York: Rizzoli.
- Marcuse, P. (2009). Spatial Justice: Derivative but Causal of Social Injustice. *Spatial Justice*, 1(4): 1-6.
- Mill, J.S. (1861). On Liberty. UK: Cambridge University.
- Bentham, J. (1986). Introduction to the Principles of Morals and Legislation. Oxford: Oxford University.
- Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge: The Belknap Press of Harvard University Press.
- Soja, E. (2013). *Seeking Spatial Justice*. Minnesota: Minnesota Press.
- افشار. چاپ اول. تهران، انتشارات نشر مرکز.
- شرکت عمران و توسعه آذربایجان. (۱۳۹۳). گزارش عملکرد شرکت عمران و توسعه آذربایجان.
- شکوهی بیدهندی، محمد صالح. (۱۳۹۳). ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری. پژوهش دکتری شهرسازی. تهران: دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۶۰). *اقتصاد ما*. ت: محمد مهدی فولادوند. چاپ اول. تهران: بنیاد علوم اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد دوم. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- فریدمن، جان. (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی در حوزه عمومی: از شناخت تا عمل. ت: عارف اقوامی مقدم. چاپ اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- قطب، سید. (۱۳۷۹). *اسلام و صلح جهانی*. ت: هادی خسروشاهی. تهران: انتشارات کلبه شروق.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). *تئوری شکل شهر*. ت: سید حسین بحرینی. ویراست دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). *بیست گفتار*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). *سلسله یادداشت‌ها*. جلد ششم. تهران: انتشارات صدرا.
- مهندسین مشاور نقش محیط. (۱۳۹۰). *طرح توسعه و عمران شهر تبریز*.
- میرجانی، حمید. (۱۳۸۹). *استدلال منطقی به مثابه روش پژوهش*. صفه، ۲۰ (۵۰): ۳۵-۵۰.
- هاروی، دیوید. (۱۳۷۶). *عدالت اجتماعی و شهر*. ت: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده. چاپ اول. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- هیلیر، جین. (۱۳۸۸). *سایه‌های قدرت: حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی*. ت: کمال پولادی. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران.
- یعقوبی، داریوش. (۱۳۸۸). *درک ایرانیان از عدالت*. چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه شناسان.

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



**نحوه ارجاع به این مقاله**

میرغلامی، مرتضی، کی‌نژاد، محمدعلی و علیزاده، بهرام. (۱۳۹۷). ارزیابی عدالت فضایی در توسعه مجدد فضاهای شهری؛ مورد پژوهی: طرح موضعی عتیق شهر تبریز. *باغ نظر*، ۱۵ (۶۷): ۴۳-۵۲.

DOI: 10.22034/bagh.2018.80613

URL: [http://www.bagh-sj.com/article\\_60565.html](http://www.bagh-sj.com/article_60565.html)

